



مجتمع آموزش عالی فقه
رساله دکتری رشته فقه سیاسی
گرایش روابط بین الملل

ارزیابی فقهی مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان بر مبنای فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی

دانش پژوه:

گل محمد فدایی

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید سجّاد ایزدهی

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حیات الله یوسفی

تاریخ دفاع پایان نامه:

1403/04/17

کد تحصیلی : 115793



مسئولیت مطالب مندرج در این رساله، بر عهده نویسنده است.
هرگونه استفاده از این رساله با ذکر منبع، بلااشکال است؛ و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ
مجوز از جامعه المصطفی (علیه السلام) العالمیه است.

اهدا

اهدا به روح پاک انبیاء الهی و روح مطهر نبی مکرم اسلام حضرت محمد ﷺ و ارواح مقدس ائمه معصومین - و تمامی شهدای اسلام و شهدای مظلوم افغانستان و روح والدینم!
کمال تقدیر و سپاس از نهاد آموزشی بین‌المللی جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه و گروه فقه سیاسی و امور پایان‌نامه.

در ضمن بر خود لازم می‌دانم از استاد محترم راهنما، جناب **حجت‌الاسلام آقای دکتر سید سجاد ایزدهی** و استاد محترم مشاور، جناب **حجت‌الاسلام آقای دکتر یوسفی** کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم که بارانمایی و مشاوره لازم، بنده را در تدوین این رساله کمک کردند. اگر نقطه قوت و مثبتی در این اثر مشاهده می‌شود قطعاً به جهت راهنمایی دلسوزانه اساتید محترم بوده اگر نقاط ضعف و کاستی (بدون تردید خالی از نقص نیست) در آن دیده می‌شود ناشی از ناتوانی نگارنده رساله است. در آخر تشکر دارم از همکاری خانواده‌ام.

چکیده

عنوان رساله: «ارزیابی فقهی مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان بر مبنای فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی» که به ارزیابی فقهی مشارکت سیاسی پرداخته است. مشارکت سیاسی؛ مشارکت مجموعه افراد جامعه، در فرایند تصمیم‌گیری در مسائل مهم سیاسی، تعیین حاکم، انتخاب نمایندگان مجلس و... است. سؤال اصلی: مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان (دوره جمهوریت) بر مبنای فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی چگونه ارزیابی می‌شود؟ سوالات فرعی: انتخابات، به عنوان بخشی از مشارکت سیاسی در قانون اساسی بر مبنای فقهی چگونه است؟ فعالیت احزاب، به عنوان بخشی از مشارکت سیاسی با مبانی فقهی چگونه است؟ فرضیه‌ای تحقیق از آنجاکه مردم افغانستان معتقد به اسلام و در احکام پیرو فقه حنفی و فقه اهل بیت (علیهم السلام) هستند مشارکت سیاسی با مبانی فقهی حنفی شورا اهل حل و عقد ارتباط دارد و اما با مبانی فقهی اهل بیت (علیهم السلام) مناسب نیست. روش تحقیق: در این رساله توصیفی - تحلیلی و تطبیقی است، مشارکت سیاسی در قانون اساسی را بر مبنای فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی، در قالب انتخابات، شورا، امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت ائمه مسلمین و احزاب، در پنج فصل، تحلیل، ارزیابی و تطبیق نموده است. از یافته‌های تحقیق به دست آمده است که مشارکت سیاسی در چندین ماده‌ای قانون اساسی افغانستان، با عنوان حق حاکمیت ملت و حقوق شهروندان، حق آزادی بیان، تظاهرات و حق انتخاب و... تصریح شده است بر مبنای فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی انتخابات و شورا محل اختلاف جدی است، زیرا مشارکت سیاسی در انتخاب حاکم بر مبنای فقهی شورای لوی جرگه (اهل حل و عقد) با فقه حنفی هماهنگی دارد؛ اما بر مبنای فقه اهل بیت (علیهم السلام) تعیین حاکم با انتخابات و شورا سازگار نیست. اما شورای نخبگان و رای مردم، در جهت کارایی حکومت و به فعلیت رساندن رئیس جمهور عادل، متخصص، از باب قاعده مصلحت مورد پذیرش فقه اهل بیت (علیهم السلام) است. مشارکت سیاسی در قالب امر به معروف و نصیحت حاکمان از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی حکم شرعی مکلفان است. مشارکت سیاسی در قالب احزاب افغانستان مناسب‌ترین راه برای بیرون رفتن از بن‌بست سیاسی است که هم مورد تأیید عقلا است و هم این روش عقلایی را فقه اهل بی (علیهم السلام) پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: مشارکت سیاسی، قانون اساسی، فقه، فقه اهل بیت، فقه حنفی افغانستان.

فهرست مطالب

.....	چکیده	0
.....	مقدمه	1
.....	تبیین مسئله	2
.....	سؤال اصلی	4
.....	سؤال‌های فرعی	4
.....	فرضیه‌های تحقیق	5
.....	پیشینه تحقیق	5
.....	اهداف تحقیق	12
.....	اهداف فرعی	12
.....	نظریه‌پردازی یا نوآوری	13
.....	روش تحقیق	13
.....	روش گردآوری	14
.....	قلمرو تحقیق	15
.....	سازمان‌دهی تحقیق	15

فصل اول: مفاهیم و کلیات

.....	گفتار اول: تبیین مفهومی	18
.....	1- مفهوم مشارکت و مشارکت سیاسی	18
.....	1-1) مشارکت در لغت	18
.....	1-2) تعریف مشارکت در علوم اجتماعی	19
.....	1-3) مشارکت در اصطلاح سیاسی	19
.....	2) مفهوم فقه و فقه سیاسی	21
.....	2-1) مفهوم فقه	22
.....	2-2) فقه در اصطلاح فقها	22
.....	2-3) فقه سیاسی	25
.....	2-4) فقه اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	27
.....	2-5) فقه حنفی	29

- 30 (3) مفهوم قانون و قانون اساسی.....
- 30-1) قانون.....
- 31-2) قانون اساسی افغانستان.....
- 32 **گفتار دوم: مباحث کلیات**.....
- 32 1- مشارکت سیاسی در حکومت پیامبر ﷺ.....
- 33 2- مشارکت سیاسی در افغانستان.....
- 35 3- جایگاه فقه حنفی در افغانستان.....
- 37 4- رابطه قانون اساسی (دوره جمهوریت) با فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی.....
- 39 5- انواع مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان (دوره جمهوریت).....
- 42 6- دامنه مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان (دوره جمهوریت).....
- 43 **جمع بندی فصل اول**.....
- فصل دوم: ارزیابی فقهی انتخابات به عنوان بخشی از مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان بر مبنای فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی**.....
- 45 **گفتار اول؛ انتخاب حاکم در قانون اساسی افغانستان از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی**.....
- 46 1- اهمیت انتخاب حاکم از منظر آیات و روایات اسلامی.....
- 47 2- انتخاب حاکم در قانون اساسی افغانستان (دوره جمهوریت).....
- 49 **الف) ماهیت انتخاب حاکم اسلامی از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی**.....
- 49-1) انتخاب فقهی (بیعت).....
- 52-2) انتخاب فقهی (وکالت).....
- 53-3) انتخاب فقهی (شورا).....
- 55-4) انتخاب (قرارداد اجتماعی).....
- 57-5) انتخاب حاکم (رئیس جمهور) از منظر فقهای اهل بیت (علیهم السلام).....
- 61-6) انتخاب حاکم (رئیس جمهور) از منظر فقهای حنفی.....
- 63 **ب) جایگاه حاکم اسلامی در قانون اساسی از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی**.....
- 63-1) جایگاه رئیس جمهور در قانون اساسی افغانستان.....
- 64-2) جایگاه حاکم اسلامی از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام).....
- 69-3) جایگاه حاکم اسلامی از منظر فقهای حنفی.....

76 گفتار دوم؛ انتخاب نمایندگان در قانون اساسی افغانستان از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی

1 - پیشینه انتخاب نمایندگان مجلس در افغانستان

2- انتخاب نمایندگان مجلس در قانون اساسی (دوره جمهوریت)

3 - جایگاه نمایندگان مجلس در قانون اساسی افغانستان (دوره جمهوریت)

4 - جایگاه نمایندگان مجلس از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی

5- جایگاه نمایندگان مجلس شورا در افغانستان از منظر فقه حنفی

6- جایگاه نمایندگان مجلس شورا در افغانستان از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام

85 جمع بندی فصل دوم

فصل سوم: ارزیابی فقهی شوراهای لوی جرگه (مجلس بزرگان) و شورای

88 نمایندگان مجلس در قانون اساسی افغانستان

90 گفتار اول؛ ارزیابی فقهی شورا در قانون اساسی بر مبنای فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی

1 - مفهوم شورا

2- رابطه شورا با مشارکت سیاسی

3) شورا در قانون اساسی افغانستان (دوره جمهوریت)

4- کار برد شورا به عنوان قاعده فقهی در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

5- شورا در آیات و روایات به عنوان قاعده فقهی

5- الف) شورا در قرآن کریم

5- ب) شورا در روایات به عنوان قاعده فقهی

97 گفتار دوم؛ بررسی جایگاه شورای از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی

1) جایگاه شورا از دیدگاه مفسرین

2) جایگاه شورا از دیدگاه فقها

3) جایگاه شورا از دیدگاه فقهی حنفی و اهل سنت

4 - جایگاه شورا از دیدگاه فقهی اهل بیت علیهم السلام

106 گفتار سوم؛ جایگاه شورای لوی جرگه از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی

1 - ارزیابی جایگاه شورای تأسیسی (لوی جرگه) در افغانستان

- 107..... (2) لوی جرگه در تاریخ افغانستان.....
- 110..... (3) لوی جرگه از نظر قانون اساسی افغانستان، (دوره جمهوریت).....
- 112..... (4) لوی جرگه از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی.....
- 112..... 4- الف) بررسی لوی جرگه از دیدگاه فقهای حنفی اهل سنت.....
- 115..... 4- ب) لوی جرگه از دیدگاه فقهای اهل بیت علیهم السلام.....
- 117..... 4- ج) تفاوت لوی جرگه افغانستان با شورای اهل حل و عقد شورای خبرگان.....
- 118..... **گفتار چهارم؛ جایگاه شورای نمایندگان از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی**
- 118..... 1 - تاریخ شورای قانون گذاری در افغانستان.....
- 119..... 2 - شورای مجلس نمایندگان در قانون اساسی افغانستان (دوره جمهوریت).....
- 3- ارزیابی جایگاه شورای نمایندگان افغانستان از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی
- 120.....
- 121..... 3- الف) ارزیابی فقهی شورا نمایندگان افغانستان در موضوعات منطقه الفراغ.....
- 122..... 3- ب) ارزیابی فقهی شورا نمایندگان در پدیده‌های جدید با نوگرایی اجتهاد.....
- 123..... 3- ج) ارزیابی فقهی شورای نمایندگان مطابق احکام عقلی.....
- 124..... 4- کارکرد شورای مجلس نمایندگان در قانون اساسی.....
- 125..... 4- الف) ارزیابی فقهی کارکرد شورا نظارت بر دولت و استیضاح وزرا.....
- 125..... 4- ب) ارزیابی فقهی کارکرد شورا بر قانون گذاری و برنامه‌ریزی در افغانستان.....
- 127..... **جمع بندی فصل سوم**
- فصل چهارم: ارزیابی فقهی نظارت (امر به معروف و نهی از منکر) به عنوان**
- بخشی از مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان**
- 130.....
- 131..... 1- مفهوم امر به معروف و نهی از منکر.....
- 133..... 2- تعریف معروف و منکر در کتب فقهی.....
- 133..... 3- امر به معروف و نهی از منکر در قانون اساسی افغانستان (دوره جمهوریت).....
- 134..... 4 - امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات.....
- 136..... 5- اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از منظر فقهای اهل بیت علیهم السلام و فقهای حنفی.....
- 137..... 5- الف) حکم و مراتب امر به معروف و نهی از منکر از منظر فقهای اهل بیت علیهم السلام.....
- 139..... 5- ب) حکم و مراتب امر به معروف و نهی از منکر از منظر فقهای حنفی.....

- 6- رابطه امر به معروف و نهی از منکر با مشارکت سیاسی از منظر فقها..... 142
- گفتار دوم ارزیابی فقهی مشارکت سیاسی در قالب نصیحت به ائمه مسلمین..... 146**
- 1 (1) مفهومی نصیحت..... 146
- 2 - نصیحت ائمه مسلمین از منظر علمای اخلاق..... 146
- 3- نصیحت ائمه مسلمین از منظر روایات..... 147
- 4- نصیحت در قانون اساسی (دوره جمهوریت)..... 150
- 5- ارزیابی فقهی نصیحت ائمه مسلمین از نظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی..... 151
- 6 - ارزیابی فقهی نصیحت در قبال رضایت عمومی..... 152
- جمع بندی فصل چهارم..... 153**
- فصل پنجم: ارزیابی فقهی فعالیت احزاب سیاسی به عنوان بخشی از مشارکت**
- سیاسی در قانون اساسی افغانستان..... 156**
- گفتار اول: ارزیابی ماهیت احزاب و نخبگان در مشارکت سیاسی..... 157**
- 1 - مفهوم حزب..... 157
- 2- حزب در اصطلاح جدید سیاسی..... 158
- 3- مفهوم حزب در قرآن..... 158
- 4- حزب از دیدگاه جامعه‌شناسی..... 160
- 5- شاخصه فعالیت حزب در روند مشارکت سیاسی..... 161
- 6- مفاهیم جنبش، جریان و جامعه مدنی..... 162
- 7- جنبش و جریان سیاسی و جامعه مدنی در افغانستان..... 163
- 8- جریان اسلام‌گرایی در افغانستان..... 165
- گفتار دوم: مشارکت سیاسی احزاب در قانون اساسی افغانستان..... 167**
- 1 - تأسیس حزب در قانون اساسی..... 167
- 2 - جایگاه حزب از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی..... 168
- 2- الف) دیدگاه موافق تشکیل احزاب در جامعه..... 169

170.....	2- ب) دیدگاه مخالف تشکیل حزب در جامعه
171.....	2- ج) ضرورت وجود احزاب در شرایط کنونی
172	گفتار سوم: فعالیت احزاب از منظر فقه اهل بیت و فقه حنفی
172.....	1 - گستره فعالیت احزاب در قانون اساسی از دیدگاه فقهای اهل بیت
175.....	2 - گستره فعالیت احزاب از دیدگاه فقهای حنفی
176.....	3 - گستره فعالیت احزاب در افغانستان
177	جمع بندی فصل پنجم
179	نتیجه گیری
184	فهرست منابع

مقدمه

مشارکت سیاسی به لحاظ مفهومی، مفهوم وسیعی دارد که از حضور و شرکت عمومی افراد یک جامعه در مسائل مهم سیاسی، تعیین حاکم، ساختار حکومت، انتخاب نمایندگان مجلس تا اعتراض علیه حکومت و... را شامل است. مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان به صورت غیرمستقیم تحت عنوان حقوق شهروندان در انتخابات، حق تأسیس حزب و حق آزادی بیان و... ذکر شده است. دامنه مشارکت سیاسی، در قانون اساسی در سطوح مختلفی از بالاترین مقام دولتی و منتخب شدن در ریاست و سطح متوسط و ضعیف تا تظاهرات علیه دولت بیان گردیده است. مشارکت سیاسی از منظر فقه هرچند، یک مفهوم جدید است که در کتاب‌های فقهی گذشته چنین عنوانی نبوده، در عین حال فقه دارای قواعد و اصولی مانند قاعده شورا، قاعده عدالت، مساوات، بیعت، حق آزادی بیان و اندیشه، کرامت انسانی، امر به معروف و نهی از منکر، نظارت عمومی است که مشارکت سیاسی را می‌شود از این قواعد استخراج کرد. این رساله در پنج فصل تنظیم گردیده فصل اول مشارکت سیاسی در قانون اساسی در قالب انتخابات که باقاعده فقهی بیعت، شورا، وکالت ... بررسی گردیده در نهایت انتخاب رئیس‌جمهور از منظر فقهای حنفی، در افغانستان با شورای حل و عقد منطبق است اما از منظر فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) انتخاب حاکم باقاعده ثانویه و قاعده مصلحت امکان‌پذیر است. انتخاب نمایندگان مجلس باقاعده شورا در هر دو فقه تا حدودی هماهنگ است تنها در ملزمه بودن تصمیم شورای نمایندگان میان فقها اختلاف است. فصل دوم مشارکت سیاسی قانونی در قالب شورا، بحث

شد که در افغانستان شورای لوی جرگه محل اختلاف فقهی میان فقهای اهل بیت علیهم السلام و فقهای حنفی است. جایگاه شورای مجلس و سنا، باقاعده شورا و مسئولیت همگانی در هردو فقه مورد اتفاق است اما کارکرد آن در تصویب قانون و الزامات محل اختلاف است فقه اهل بیت علیهم السلام تصمیم شورا را الزامی نمی‌بیند و شورا حق جعل قانون ندارد. در فصل سوم مشارکت سیاسی در قالب امر به معروف و نهی از منکر پیگیری شد که امر به معروف و نهی از منکر، در فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی، به عنوان تکلیف شرعی بر همه واجدین شرایط آن، واجب است. فصل پنجم مشارکت سیاسی در قالب احزاب که با قواعد آزادی بیان، کرامت انسانی در فقه محل ارزیابی قرار گرفته است.

تبیین مسئله

حکومت یک‌جانبه‌گرایی قومی، چالش بزرگی در طول تاریخ افغانستان، دامنگیر مردم افغانستان بوده و تا هنوز ادامه دارد. نخبگان سیاسی و اندیشمندان یکی از راه‌های بیرون رفت از بن‌بست را مشارکت همه مردم در حکومت می‌دانند از مطالعه آثار منتشر شده در روند مشارکت سیاسی در افغانستان به این نتیجه می‌رسیم که مشارکت سیاسی، با دو نگرش مورد بحث قرار گرفته است.

1- نگرش عرفی؛ این نگرش مفهوم مشارکت سیاسی را مترادف با دموکراسی دانسته و دموکراسی با فرهنگ دینی مردم افغانستان ارتباطی ندارد.

2 - نگرش عقلانی؛ این نگرش مشارکت سیاسی را یگانه راه برون‌رفت از چالش سیاسی، در افغانستان می‌داند. مهترین اشکال بر این نگرش، این است که مشارکت سیاسی را با رویکرد توسعه محور و مطلق در نظر گرفته است. از تلفیق این دو نگرش یک نگرش سوم استنباط می‌شود آن مشارکت سیاسی در افغانستان با محوریت قانون اساسی در قالب انتخابات، فعالیت احزاب بر مبنای فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی شورا، بیعت، امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت ائمه مسلمین، ارزیابی شود. در این ارزیابی قانون اساسی دوره (جمهوریت) افغانستان مبنای مشارکت سیاسی قرار می‌گیرد و با مبنای فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی که در روش استنباط شیوه عقلانیت را در مسائل سیاسی اجتماعی در نظر دارند مجوز و ممنوع‌های احکام آن استنباط می‌شود.

مشارکت سیاسی، در قانون اساسی گذشته افغانستان، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مشارکت سیاسی اما در قانون اساسی دوره جمهوریت هر چند به صراحت ذکر نشده لکن از برخی ماده‌های آن،

این مفهوم به وضوح استفاده می‌شود از جمله در ماده اول قانون اساسی افغانستان ذکر شده: (افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیرقابل تجزیه است) که از تجزیه (جمهوری اسلامی) مفهوم مشارکت سیاسی استفاده می‌شود، زیرا این عنوان دارای دو بعد فقهی و حقوقی است؛ بعد فقهی آن تکلیفی شرعی شهروندان جامعه افغانستان را در روند مشارکت سیاسی تبیین می‌کند. بعد حقوقی نوع مسئولیت‌پذیری و سرنوشت حقوقی مردم و شهروندان افغانستان که در قانون اساسی افغانستان تصریح شده است در نحوه مشارکت سیاسی چه در تعیین حاکم چه در ساختار دولت را بیان می‌کند، چون جمهوری اسلامی، مفهوم مرکبی از جمهوریت که مشارکت سیاسی عموم مردم افغانستان را در بردارد و اسلامی که مشارکت مردمی بر موازین قانون شرع و احکام فقه اسلامی است. در تعریف مشارکت سیاسی گفته‌اند: «مشارکت مجموعه افراد جامعه در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی و تعیین رهبری و... است» این ارتباط دوسویه‌ای مشارکت سیاسی با فقه اهل بیت علیهم‌السلام و فقه حنفی را می‌توان با مبانی فقهی بیعت، شورا، نصیحت ائمه مسلمین و امر به معروف و نهی از منکر و... تحلیل و تبیین کرد، زیرا هر یک از این واژه‌ها، متضمن مفاهیم وسیع حقوقی و تکلیف شرعی را در بردارد و ضرورت بررسی و تبیین دقیق را می‌طلبد. از آنجاکه جامعه افغانستان یک کشور اسلامی است؛ قانون اساسی و نظام سیاسی باید بر مبنای فقه اسلامی در افغانستان تنظیم شود، بنابراین ارزیابی فقهی و دیدگاه فقها در مشارکت سیاسی مردم، جایگاه مهمی دارد. همان‌گونه که در ماده سوم قانون اساسی افغانستان صریحاً بیان شده است (در افغانستان هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد). معمولاً در طول تاریخ، قانون اساسی افغانستان برگرفته از فقه حنفی بوده، امتیاز قانون اساسی دوره جمهوریت در این است که فقه حنفی و فقه اهل بیت علیهم‌السلام هر دو را به رسمیت شناخت و منبعی برای قانون دانسته است. پس سرنوشت حاکمیت سیاسی بر مبنای فقه اهل بیت علیهم‌السلام و فقه حنفی تعیین گردیده تا رابطه شهروندان با حاکمان معلوم شود.

بدون شک اگر مشارکت سیاسی، بر مبنای فقه به‌گونه‌ای درست تبیین، تحلیل و ارزیابی نشود، دور از انتظار نیست حاکمیت امارت طالبان که با شعار شریعت حکومت می‌کند، بار دیگر حیات سیاسی - اجتماعی کشور افغانستان را به بحران و چالش عمیق‌تری بکشاند. چنان‌که قبلاً شعار دموکراسی غربی و یا دموکراتیک چپ کمونیستی، کشور را به ناامنی و وحشت تبدیل کرده بود.

پس با در نظر گرفتن وضعیت کنونی جامعه افغانستان که با انواع مشکلات سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی درگیر است؛ مانند حاکمیت یک‌جانبه‌گرایی قومی و مداخله کشورهای بیگانه و فریبکاری

سیاست‌های چند پهلوی آمریکا و برخی کشورهای همسایه، و... این‌ها متغیرهایی هستند که در روند مشارکت سیاسی مردم افغانستان، چالش‌برانگیز و تأثیرگذار است و ثبات سیاسی در افغانستان را متزلزل کرده است. حالا سؤال اساسی این است که مشارکت سیاسی مردم، احزاب و اقوام مختلف افغانستان و نخبگان سیاسی، بر مبنای قانون اساسی افغانستان از منظر فقه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و فقه حنفی چگونه ارزیابی می‌شود؟

سؤال اصلی

مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان از منظر فقه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و فقه حنفی چگونه ارزیابی می‌شود؟

سؤال‌های فرعی

- 1- مراد از اصطلاحات علمی؛ مشارکت سیاسی، قانون اساسی افغانستان (دوره جمهوریت) ارزیابی فقهی فقه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و فقه حنفی چیست؟
- 2- ارزیابی فقهی مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان بر مبنای فقه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و فقه حنفی در قالب انتخابات چیست؟
- 3- ارزیابی فقهی مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان بر مبنای فقه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و فقه حنفی در قالب شوراها چیست؟
- 4 - ارزیابی فقهی مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان بر مبنای فقه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و فقه حنفی در قالب امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت ائمه مسلمین چیست؟
- 5- ارزیابی فقهی مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان بر مبنای فقه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و فقه حنفی در قالب احزاب چیست؟

به عبارت دیگر انتخابات به‌عنوان بخشی از مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان و شوراهای لوی جرگه (مجلس بزرگان) و شورای نمایندگان مجلس و شورای استانی و محلی... به‌عنوان بخشی از مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان و نظارت بر قوای حکومتی به‌عنوان بخشی از مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان و فعالیت احزاب سیاسی به‌عنوان بخشی از

مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان بر مبنای فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی چگونه است؟

فرضیه‌های تحقیق

منظور از چیستی و چگونگی مشارکت سیاسی در قانون اساسی افغانستان (دوره جمهوریت) این است که مشارکت سیاسی در کدامین مواد قانون اساسی تصریح گردیده است و با چه عبارت بیان گردیده است و از منظر فقهی دارای چه احکام و مجوزات شرعی است؟ در توضیح این مساله باید گفت: مشارکت سیاسی با این واژه و ترکیب در قانون اساسی صراحتاً ذکر نشده است اما در چندین ماده از قانون اساسی با عناوین حقوق شهروندان حق آزادی بیان، مطبوعات، حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن، حق تأسیس احزاب و جمعیت‌ها، حق تظاهرات و... تصریح گردیده است این مواد قانونی با توجه به رعایت نظام جمهوری اسلامی که در ماده دوم قانون اساسی تصریح گردیده است: «دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است» با توجه بر اینکه مشارکت سیاسی در قالب انتخابات و شورا، امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت حاکمان و کارگران و فعالیت احزاب و نهاد های اجتماعی و... در جامعه محقق می‌شود، و هریکی از این قالب‌ها گونه‌های از مشارکت سیاسی است که از مبنای فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی استخراج می‌شود به جهت اینکه روی دادن در انتخابات برای انتخاب رئیس‌جمهور اصلح و انتخاب نمایندگان صالح مورد اعتماد، در شرایط فعلی افغانستان هم تکلیف و هم حق قانونی شهروندان است و تشکیل شوراها و امر به معروف و نهی از منکر و نظارت بر رفتار حکومت و تشخیص مصلحت جامعه نیز یک تکلیف فقهی بر عموم مردم افغانستان است. فقه اهل بیت علیهم السلام تأسیس و فعالیت احزاب سیاسی را در چارچوب قانون اسلامی با رعایت اخلاق و رفتار اسلامی مغایر با شرع اسلامی نمی‌داند در فقه حنفی نیز فعالیت احزاب بر مبنای کرامت انسانی و آزادی فکر و عقیده هماهنگی دارد. البته برخی از مواد قانونی درباره آزادی و فعالیت احزاب سیاسی مبهم است ممکن است گاهی از این کلیات استفاده معانی دیگر نیز بشود.

پیشینه تحقیق

مقالات و یا کتبی در رابطه مباحث مشارکت سیاسی در افغانستان با عنوان (دین و دموکراسی و یا فقه و دموکراسی در افغانستان به صورت کلی) منتشر شده است اما با عنوان مشارکت سیاسی در قانون

اساسی افغانستان برمبنای فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی پژوهشی صورت نگرفته است مقالات و کتب در رابطه فقه و دموکراسی و یا انتخابات در قانون اساسی، فعالیت احزاب در قانون اساسی و حق رأی و حق آزادی و... مردم در قانون اساسی افغانستان که هرکدام شاخصه و مؤلفه‌های مشارکت سیاسی را در به صورت کلی و پراکنده بحث کردند که از مجموع این آثار سه رویکرد متفاوت استخراج می‌شود که بخشی از این منابع با موضوع منتخب مرتبط است، این سه رویکرد قرار ذیل است:

1- رویکرد عرفی از مشارکت سیاسی

این رویکرد بیشتر گزارش از رفتار حکومت‌ها و قانون انتخابات را در نظر گرفته است که نسبت به مشارکت سیاسی رویکرد عرفی و سطوح مشارکت را بررسی کرده است و از مشارکت سیاسی در افغانستان برداشت منفی داشته است، این رویکرد هم در واقع به دو طیف از اندیشه منتهی می‌شوند. یک عده بر این باورند که مشارکت سیاسی در افغانستان با دین هیچ ارتباطی ندارد، مشارکت سیاسی مترادف با دموکراسی و پدیده‌ی غربی است و دموکراسی و یا مشارکت سیاسی با فرهنگ و دین مردم افغانستان ارتباطی ندارد. عده‌ای دیگر مشارکت سیاسی در افغانستان را از زاویه‌ای دیگر بررسی کردند و موانع مشارکت سیاسی را قوم محوری و قبیلگی افراطی و بی‌سوادی اکثریت جامعه افغانستان و... می‌دانند که عرف مردم با فرهنگ مشارکت سیاسی آشنایی کمی دارند. مهم‌ترین مقالاتی که این رویکرد را جدی و برجسته می‌بیند قرار ذیل است:

الف) خالد خسرو در مقاله‌ای با عنوان «سیاست قومی، هویت‌های بحران‌زا و روند ناقص دموکراسی» می‌نویسد: «بعد از یک دهه از اجلاس بن برای نهادینه کردن دموکراسی با حمایت غرب و گروه‌های افغان، اما به نظر می‌آید که فرمول اجلاس بن برای برپایی نظام چند قومی دموکراتیک ... نتیجه‌ی مطلوب برای روند ملت‌سازی در افغانستان در پی نداشته است. ایشان مهم‌ترین عامل را در عدم مشارکت سیاسی تبعیض قومی دانسته می‌گوید: «مهم‌ترین عامل برای حفظ نظام دموکراتیک، قدرت و جلوگیری از نهادینه شدن اکثریت تبعیض‌گرایی قومی حفظ توازن قوای سیاسی به نفع متکثر دموکراتیک است و این مهم بدون ساختن نهاده‌ای اصلی، مانند محاکم، احزاب سیاسی، مجلس قوی و تمرکززدایی قدرت در کابل، میسر نیست.»¹

1- محمد نبی، احمدی و مجید، اسماعیل زاده نوشتارهای پیرامون دموکراسی افغانی: فرصتها و چالشها، (مجموع مقالات)

ب) محمد شفق، یکی دیگر از پژوهشگران سیاسی، مشکل اصلی مشارکت را قوم محوری دانسته در مقاله‌ای با عنوان قوم کراسی و قبیله سالاری «ماهیت انتخابات و دموکراسی افغانی» می‌نویسد: «انتخابات، حزب و دموکراسی در افغانستان گران بار از مطالبات و گرایش‌های قومی و متأثر از منطق سیاسی قبیله‌ای است.»¹

ج) محمد محقق مشارکت سیاسی در افغانستان را با نگرش فقهی بررسی کرده و نسبت به او نظر منفی دارد. در مقاله با عنوان «انتخابات یا شورای حل و عقد» سخن را با این سؤال شروع می‌کند می‌نویسد: «حکم اسلام درباره انتخابات چیست؟ بعد خودش پاسخ می‌دهد می‌گوید: «سرراست‌ترین پاسخ این است که انتخابات به معنایی که ما امروز می‌فهمیم و به کار می‌بندیم، هیچ حکمی در اسلام ندارد. این‌ها پدیده تازه، متعلق به دوران مدرن است و جوامع قدیم، اعم از اسلامی و غیر اسلامی، با آن آشنایی نداشته‌اند و هیچ حکمی صریح درباره آن در منابع درجه اول اسلام (کتاب و سنت) نمی‌توان یافت.» اما جای شگفت از این نویسنده این است که در ابتدا چنین قضاوت می‌کند بعد در آخر مقاله نتیجه می‌گیرد که حکم انتخابات واجب است، گفته: «اگر انتخابات زمینه مسالمت‌آمیزی برای انتقال قدرت شود در آن صورت حکم برگزاری انتخابات از حد جواز به درجه وجوب ارتقا می‌یابد به دلیل قاعده فقهی (مالا یتم الواجب الابه فهو واجب) بعد می‌گوید: اگر انتخابات روشی مناسب برای رسیدن به این هدف باشد برگزاری آن واجب شرعی است.»² در این گفتار تشویش مشاهده می‌شود در اول گفت انتخابات حکمی شرعی ندارد بعد خودش وجوب را استنباط می‌کند با یک قاعده موهوم که چنین قاعده‌ای در فقه وجود ندارد حکم به وجوب انتخابات را اثبات کرده است.

د) محمدرضا تاجیک و علیرضا شریفی، این دو نویسنده مشارکت سیاسی را با دموکراسی مترادف دانسته و نسبت به او دید منفی ابراز کردند در کتاب «موانع گفتمانی دموکراسی در افغانستان» می‌نویسند: «پذیرش معانی‌ای که گفتمان دموکراسی به دال‌های موردنظرش داده است، از سوی اکثریت مردم افغانستان، با چالش‌های جدی مواجه است. این دال‌ها عبارت‌اند از قبیل: مردم، آزادی، حقوق بشر، حقوق زنان ... با فرهنگ، سنت و باورهای دینی مردم همخوانی نداشته علاوه بر تضاد معانی دال‌های دموکراسی با اصول بنیادین جامعه موافق نیست.»³ این آثار جنبه منفی مشارکت سیاسی را در

1 - همان، مقاله محمد، شفق خوانی، ص 7.

2 - همان، محمد محقق، همان، ص 61.

3 - محمد رضا تاجیک و علی رضا شریفی، مقاله: موانع گفتمان دموکراسی در افغانستان، ص 59.

افغانستان بارویکرد عرفی ارزیابی می‌کنند.

شاید هدف این نویسندگان منفی بودن اصل مشارکت سیاسی در افغانستان نباشد؛ زیرا بیشتر این نویسندگان موانع و چالش‌های عرفی مشارکت سیاسی در افغانستان را در نوشتار خود برجسته کرده‌اند. به هر صورت با موضوع بحث ما از جهاتی ارتباط پیدا می‌کنند.

2- رویکرد حقوقی، فقهی و عقلی از مشارکت سیاسی در افغانستان

این رویکرد مشارکت سیاسی در افغانستان را با حقوق و منافع اقوام، نژادها و مذاهب و آزادی عقیده و بیان موافق دانسته است. این رویکرد را نیز می‌توان از مطالعه مجموع منابع کتب و مقالاتی که در موضوعات مشارکت سیاسی فقهی و مشارکت سیاسی حقوقی، مشارکت بر مبنای قانون اساسی و مشارکت مردم در چند انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس افغانستان بحث کردند استخراج کرد. این منابع عبارت‌اند از:

الف) کتب

1- محمد عرفانی در کتاب «جمهوری‌خواهی در افغانستان» مشارکت سیاسی و نحوه مشارکت مردم در انتخابات و رضایت مردم را بحث کرده است ارتباط اسلام با جمهوریت و دیدگاه مثبت و منفی را ذکر کرده است در نهایت جمهوری‌خواهی را مثبت ارزیابی کرده و گفته: «افغانستان یک کشور اسلامی است که اصول، دستورات و احکام اسلام بر اساس اعتقادات و ارزش‌های مسلم دین اسلام در آن اداره شود و قوانین کشور مطابق با اصول و اساس دین اسلام باشد و یا حداقل مخالف اسلام نباشد؛ و مشارکت سیاسی یکی از مؤلفه‌های جمهوریت است، نظام جمهوری متکی بر مشارکت همه‌جانبه و گسترده مردم در امور همگانی از راه انتخابات، برگزیدن رئیس‌جمهور و نماینده مجلس به‌طور مستقیم با مردم است.»¹ مراد نویسنده که گفته (قوانین کشور مطابق با اصول و اساسات دین اسلام باشد) چندان روشن نیست کدام قوانین؟ شاید هدفشان قانون اساسی دوره جمهوریت است آن را تا حدودی موافق با اصول و احکام اسلامی فرض کرده است درحالی‌که بسیاری از ماده‌های قانون کلی است، گاهی با احکام قصاص و حدود مخالف است بعداً مفصل بحث خواهد شد.

2- سید سجاد ایزدهی در کتاب (مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه) مباحث مهمی را در رابطه با مشارکت سیاسی بر مبنای فقه شیعی ارائه کرده است این کتاب به‌صورت مستند و مستدل از منابع

1 - محمد، عرفانی، جمهوری‌خواهی در افغانستان، ص 57؛ و ص 271.